

علم أصول الفقه

۹۳-۱۰-۲۴ روش شناسی ۹

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تعامل خداوند با انبیا و منکران

- قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْنِي مَا يُوعَدُونَ (۹۳)
- رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴)
- وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)
- ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)
- وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷)

تعامل خداوند با انبیا و منکران

• وَاعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۹۸)

• حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹)

• لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ
مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۰)

تعامل خداوند با انبیا و منکران

- فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (١٠١)
- فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (١٠٢)
- وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (١٠٣)

تعامل خداوند با انبیا و منکران

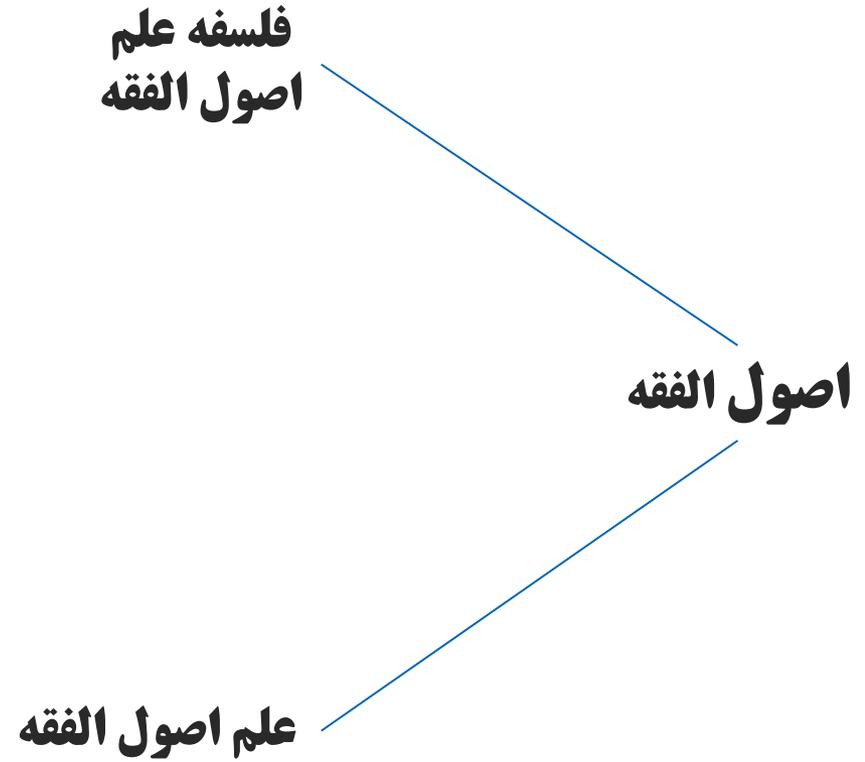
- تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُونِ (۱۰۴)
- أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵)
- قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)
- رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷)
- قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

تعامل خداوند با انبیا و منکران

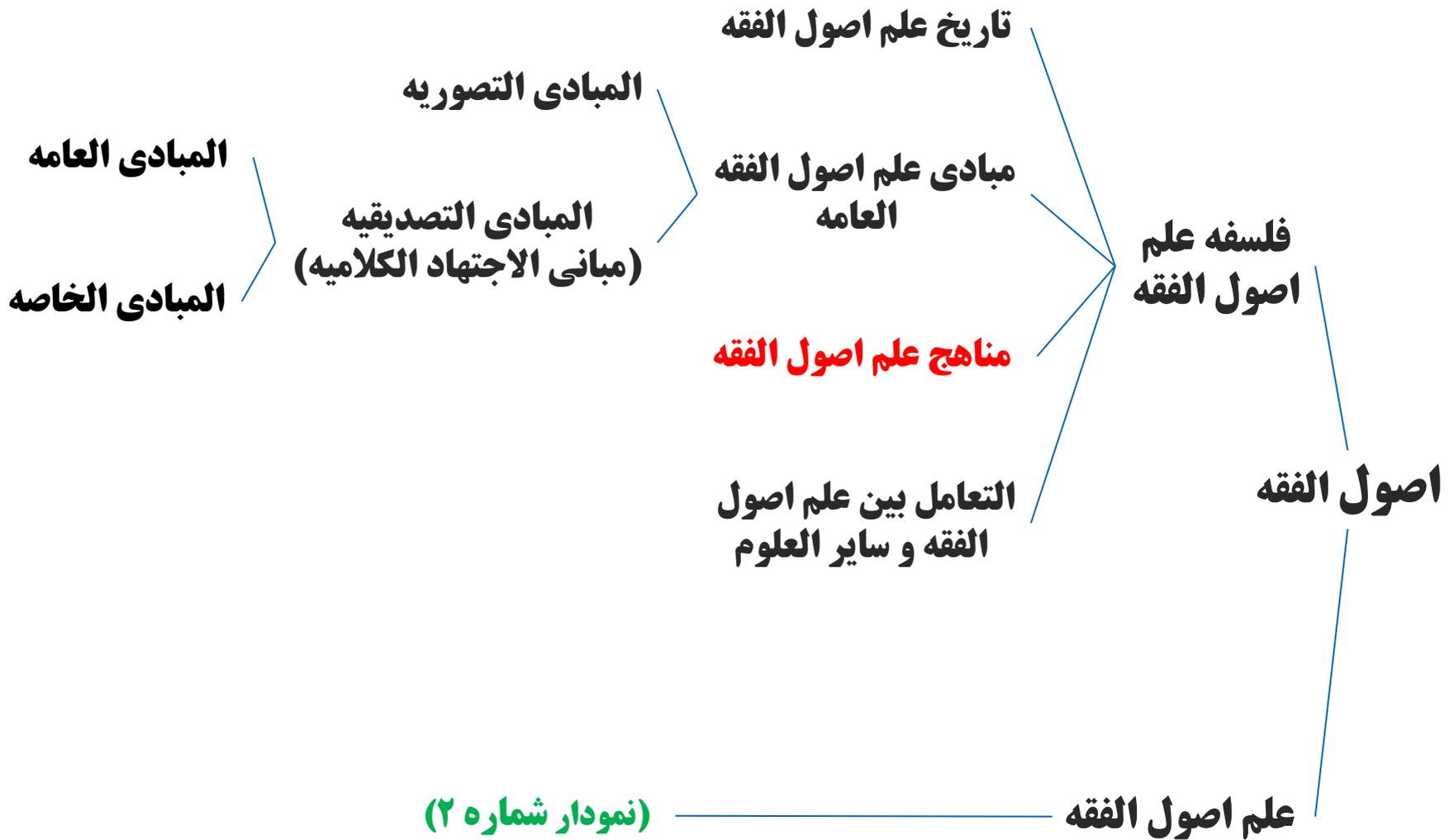
- إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (١٠٩)
- فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (١١٠)
- إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (١١١)

تعامل خداوند با انبیا و منکران

- قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲)
- قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (۱۱۳)
- قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)



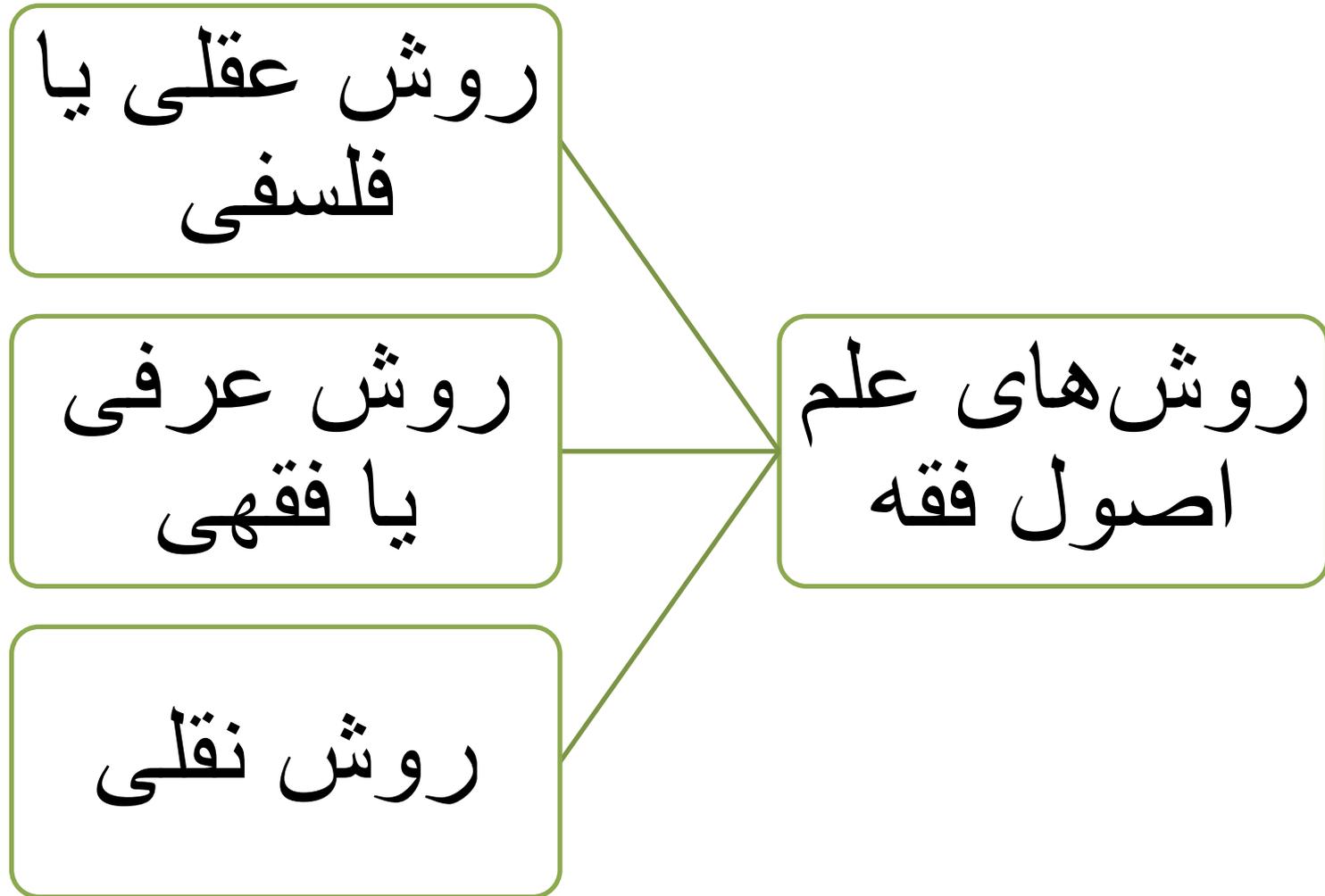
(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



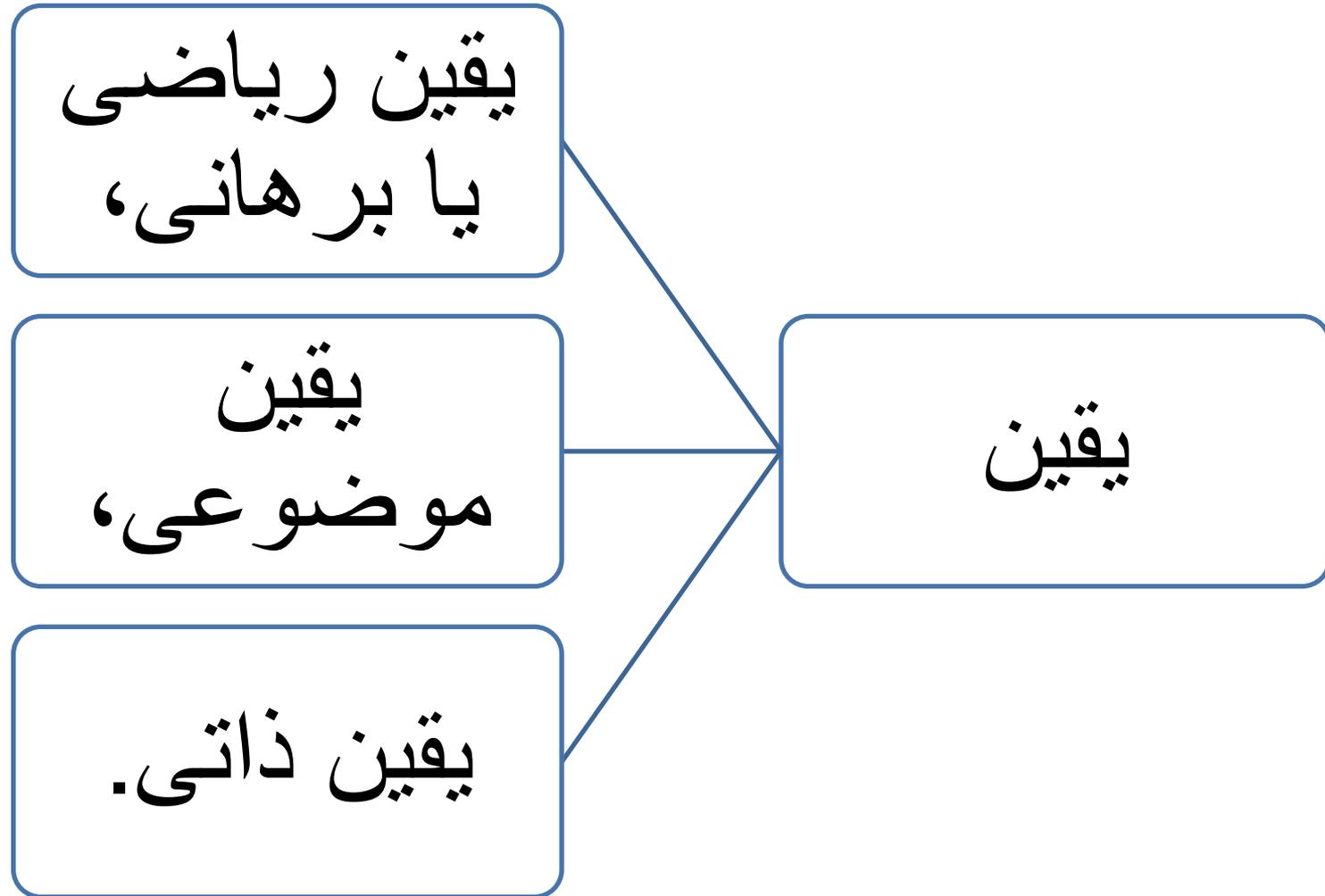
روش تاریخی در فلسفه‌ی علم



• فصل ششم

• استقراء، روش نو در اصول

استقراء، روش نو در اصول



مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

روش شناسی

معرفت
شناسی

مبانی معرفت شناسانهی روش‌ها

○ معرفت
شناسی

○ روش
شناسی

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

مبانی عام
روش شناسی

مبانی خاص
روش شناسی

معرفت
شناسی

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- در مباحث **روش شناسانه** ما دایم با مبانی **معرفت شناسانه** مواجهیم. بخشی از این مبانی، **مبانی عام** است و همه‌ی روش‌ها را در برمی‌گیرد و مربوط به روش خاصی نیست. ما در ابتدای این بحث از همین مبانی آغاز می‌کنم و بعد به بحث‌هایی در این زمینه نسبت به روش‌های خاص خواهیم پرداخت.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

ممکن بودن
معرفت

اولین بحث معرفت
شناسی

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- بشر و معرفت
- **اولین بحثی** که در سلسله بحث‌های معرفت شناسانه مطرح می‌شود، **ممکن بودن معرفت** است.
- ممکن بودن معرفت بحثی است فارغ از نوع روشی که برای کسب معرفت به کار می‌گیریم.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- سؤال این است آیا اصلاً معرفت برای بشر ممکن است؟
- انسان می‌تواند به چیزی پی برد و اشیاء را همان گونه که هست بشناسد؟
- یا تمام آنچه بشر به نام معرفت نامیده و می‌نامد، مجموعه‌ای از توهمات و خیالات است و انسان گمان می‌کند که می‌شناسد، تحلیل می‌کند و قضاوتی مطابق با واقع دارد و.....؟

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- این بحث در واقع دعوایی است که بین شکاکان و مخالفان آنها وجود دارد.
- شکاکیت دارای مراتبی است.

مراتب شكاكيت

- و المعاندون أصناف،
- منهم المسترشد المقلد للحكماء،
- و منهم القاصد الى تزييف الحقائق من أهل المدن الجاهلة،
- و منهم السيئ الفهم العاجز عن ادراك الحقائق،
- و منهم الشاك الذي يزعم استحالة معرفة الحقيقة.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- یک مرتبه‌اش این است که مطلق معرفت و مطلق شناخت مورد انکار قرار می‌گیرد.
- طرفداران این نظریه معتقدند که بشر هیچ چیز را نمی‌تواند بشناسد و هیچ راهی برای شناخت ندارد.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- این دسته از شکاکان کسانی هستند که حتی نسبت به شک خودشان هم شک دارند و هیچ چیز را یقینی نمی‌دانند.
- به چنین افرادی **شکاک مطلق** می‌گوییم.
- یک شکاک مطلق وقتی می‌گوید: «شک دارم»، در این که واقعاً شک دارد و خودِ شک او یک واقعیتی است، نیز شک دارد.

مراتب شكاكيت

- و المعاندون أصناف،
- منهم المسترشد المقلد للحكماء،
- و منهم القاصد الى تزييف الحقائق من أهل المدن الجاهلة،
- و منهم السيئ الفهم العاجز عن ادراك الحقائق،
- و منهم الشاك الذي يزعم استحالة معرفة الحقيقة.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- بوعلی سینا در مورد چنین افرادی می‌گوید:
- آنها با این افکار هیچ پایگاه و مجالی برای بحث باقی نمی‌گذارند و بحث با آنها اصلاً ممکن نیست. راه درمان شکاکیت آنها چوب است. باید آنها را بزنیم تا دردشان بیاید و بدنشان زخم شود و در مقابل اعتراض آنها فقط بگوییم: شما گمان می‌کنید که درد دارید، شما گمان می‌کنید که در اثر ضربه، بدنتان زخم شده است و....

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- این یک مرتبه از شکاکیت است. اما اگر شکاک از این مرتبه بالاتر بیاید و بگوید: «یقین دارم که شک دارم» یعنی یک حلقه‌ی یقین برای خودش بپذیرد، همان را می‌توانیم مبدأ یک بحث قرار دهیم و به او بگوییم: تو شک داری اما نسبت به شک خود یقین داری. پس این نشان می‌دهد تو می‌توانی راهی به یک معرفت پیدا کنی.
- اگر این را قبول کند، می‌توان او را به بحث‌هایی که در فلسفه‌ی اسلامی در مورد علم حضوری مطرح می‌شود، ارجاع داد.
- با این بحث می‌توان دریچه و روزنه‌ای به سوی معرفت گشود.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- مرتبه‌ی دیگری که برای شکاکیت مطرح است، این است که شکاک بپذیرد اموری را درک می‌کند و بپذیرد در خارج و در عین هم اموری وجود دارد؛ اما در این که آن امور ذهنی چه اندازه با واقع مطابقت دارد، تردید داشته باشد و به عبارت دیگر ادعا کند که راهی برای کشف واقع ندارد.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- در مقابل این نظر باید بگوییم: همین که به خطای ادراکات خود پی می‌بریم و متوجه اشتباهات خویش می‌شویم، نشان می‌دهد کشف خطا در ادراکات، توسط خود ما صورت می‌گیرد و ما قدرت کشف حقیقت را داریم.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- آنچه بیان شد، جوابی است که در فلسفه‌ی اسلامی از قدیم تا به حال وجود داشته و دارد.
- برای پاسخ به این اشکال راه دیگری نیز قابل طرح است و آن این که:

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- صورت‌هایی که در ذهن داریم از دو حال خارج نیستند:
- ا. مطابق‌های آنها خارج از دسترس ما است؛ یعنی اموری هستند که خارج از دایره‌ی وجودی ما است.
- ب. مطابق‌های آنها در حیطه‌ی وجود ما است. یعنی معلوم بالعرض خودش امری است که برای ما معلوم حضوری است.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- این دسته‌ی دوم قضایای وجدانی هستند و مثال‌های فراوانی دارند. از جمله‌ی آنها دردی است که حس می‌کنم و بعد از آن حکایت می‌نمایم. وقتی دستم به دیوار می‌خورد و درد می‌گیرد، درد واقعیتی است در حیطه‌ی وجود من. و وقتی به این درد التفات پیدا می‌کنم و از آن حکایت می‌نمایم و می‌گویم: «دستم درد می‌آید یا درد خیلی بدی دارد و یا...»، در این هنگام مفهوم و صورتی از درد دارم.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- در اینجا است که در واقع معلوم حضوری من با یک التفات به معلوم حصولی تبدیل می‌شود. در این علم حصولی، معلوم بالذات - یعنی صورت - معلوم وجدانی و حضوری است و معلوم بالعرض هم - یعنی صاحب صورت که خود درد باشد - معلوم حضوری است.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- در این نوع علم حصولی ما این قدرت را داریم که صورت را با صاحب صورت مقایسه کنیم. چون هم صورت یعنی مفهوم درد و هم صاحب صورت یعنی واقع درد، هر دو در نزد ما به علم حضوری حاضرند. پس می‌توانیم بفهمیم که واقعاً چقدر علم حصولی ما با آن معلوم بالعرض مطابقت دارد.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- این امکان دآوری که در این نوع علم حصولی وجود دارد، از یک جهت وابسته به این نوع است و از جهت دیگر نوعی قضاوت است مربوط به علم حصولی ما.
- یعنی همین قدر که می‌توانیم در بخشی از علوم حصولی خودمان، علمی مطابق با واقع داشته باشیم، کافی است برای این که مبدأ شکاکیت را نفی کنیم و ادعا نماییم که ما می‌توانیم صورت‌هایی داشته باشیم که کاملاً با واقعیت خارجی مطابقت داشته باشد.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- بدیهی است ما فی الجمله می‌توانیم نه بالجمله. یعنی با اثبات این امکان، از شکاکیت نجات پیدا می‌کنیم و می‌توانیم به علم مطابق با واقع برسیم و می‌توانیم این علم مطابق با واقع را ارزیابی کنیم (مطابقت آن را واقع احراز کنیم)؛
- اما این طور نیست که تمامی علم حصولی ما از همین ویژگی برخوردارند و حتماً مطابق با واقع هستند و حتماً ما می‌توانیم قضاوت درستی از واقع داشته باشیم.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- اما همین که فی الجمله (در بعضی موارد) علم ما مطابق با واقع باشد و بتوانیم قضاوت درستی از واقع داشته باشیم، موجب می‌شود که این مرحله از شکاکیت را پشت سر بگذاریم. با پشت سر گذاردن این مرحله به مرحله‌ی بعد یعنی برخورد با روش‌ها می‌رسیم.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- به عبارت دیگر تا اینجا ما می‌پذیریم که معرفت برای بشر ممکن است و انسان می‌تواند آنچه را که هست، همان گونه که هست بشناسد. یعنی می‌تواند شناسایی و معرفت خود را ارزیابی کند و صدق آن را از کذبش و تطابقش را از عدم تطابقش تشخیص دهد.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- حال موقع این سؤال است که به چه روشی به دنبال کسب معرفت برویم تا معارف، مطابق با واقع باشد؟ و البته روشی که می‌یابیم، معیاری برای ارزیابی معارف ما خواهد بود. یعنی اگر بخواهیم بدانیم معرفتی مطابق با واقع است یا نه، کافی است بفهمیم از چه روشی به دست آمده است؟ اگر از همان روش به دست آمده، مطابق با واقع است.

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

- پس بحث روش شناسی وقتی مطرح می‌شود که اصل وجود معرفت، اصل امکان معرفت و اصل ارزیابی معارف را بپذیریم. بعد از پذیرش اینها است که جا دارد ارزش معرفتی روش‌ها را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم هر روشی تا چه حد می‌تواند واقعیت را برای ما آشکار سازد.